

# بازتاب بازداشت فداییان اسلام به روایت اسناد مجلس

محمد چگینی

## مقدمه:

با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر نیروهای اجتماعی از لاک دفاعی که در دوران دیکتاتوری به آنها تحمیل شده بود، خارج شدند و به ابراز آزادانه عقاید و نظریات خود پرداختند. فراخور فضای به وجود آمده گروههای مذهبی هم وارد صحنه شدند. در این زمان ما با سه رویکرد در بین مذهبیون روبرو میشویم: گروه نخست را آیتالله بروجردی زعیم و مجتهد اعلم هدایت میکرد، ایشان تمام همت خود را صرف تحکیم مبانی شیعه و تقویت حوزه علمیه کرد و در امور سیاسی دخالتی نداشت. رهبری دسته دوم را ایت اله کاشانی روحانی مبارز و استعمارستیز بر عهده داشت و در چارچوب قانون اساسی به مبارزه پارلمانی روی آورد، اما مهم‌ترین جمعیت اسلامی که تاثیر زیادی در جریان‌های سیاسی برجای گذاشت، فداییان اسلام بود، اینان افراد عمل‌گرایی بودند که مشی مسلحانه مبتنی بر آموزه‌های دینی را به عنوان سرلوحه فعالیت خود قرار دادند. فداییان از اواسط دهه ۱۳۲۰ تا نیمه دهه ۱۳۳۰ نقش مهمی از خود به یادگار گذاشت.

## پیشینه تاریخی:

جمعیت «فداییان اسلام» را سیدمجتبی میرلوحی تاسیس کرد او در سال ۱۳۰۲ در محله خانی‌آباد تهران به دنیا آمد. او پدرش را در دوران طفولیت از دست داد پس از اتفاق تحت قیمومت دایی خود، محمود نواب صفوی، قرار گرفت و شهرت نواب صفوی را از همین‌جا برای خود برگزید. نواب مدتی به تحصیل در هنرستان آلمانیها پرداخت، آن‌گاه به فعالیت مذهبی و فراگیری تعالیم دینی روی آورد. در سال ۱۳۲۲ در شرکت

نفت ایران و انگلیس استخدام شد. بعد از مدتی برای ادامه تحصیل راهی نجف شد. نواب در آنجا با برخی روحانیون، از جمله شیخ محمد تقی تهرانی و حسین آقایی رابطه نزدیکی برقرار کرد.<sup>۱</sup> در این زمان رشد و شیوع اندیشه‌های احمد کسروی در زمینه مکتب جدیدی که آنرا «شریعت احمدی» نامیده بود موجب نگرانی علما و مجتهدین گردید او در نوشته‌های خود بی‌محابا بسیاری از مقدسات را به بهانه خرافات مورد حمله قرار می‌داد. این اقدام با واکنش سریع علما روبرو شد و آیت الله قمی حکم ارتدادش را صادر نمود.

نواب صفوی که خواهان موضعگیری سرسختانه و شدت عمل در برابر فساد اخلاقی و مقابله با بی‌دینی بود در صدد بر آمد برای این منظور یک گروه تشکیل دهد. او برای اجرای برنامه‌هایش در سال ۱۳۲۴ «جمعیت فداییان اسلام» را تشکیل داد. در اسفند ماه همان سال با انتشار اعلامیه‌هایی با نام «دین و انتقام» اعلام موجودیت کرد. بیشتر اعضای فداییان اسلام را جوانان با تمایلات شدید مذهبی که در کارهای رده پایین مشغول فعالیت بودند، تشکیل دادند. آنها در ابتدا فقط به خاطر فعالیت مسلحانه شان اهمیت یافتند. فداییان اسلام که برای مبارزه با انواع بیدینی ایجاد شده بود در نخستین اقدام خود احمد کسروی یعنی مروج بی‌دینی را در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ ترور کردند. با ترور کسروی نام فداییان برای نخستین بار بر سر زبانها افتاد. بعد از این فداییان به جای همکاری با نهادهای دولتی و مقامات بلندپایه وابسته به آیت‌الله کاشانی بر جسته‌ترین روحانی سیاسی آن زمان نزدیک شدند و با او در سازماندهی اعتراضات علیه برخی نخست وزیران، از جمله هژیر که متهم به وطن‌فروشی و عامل سیاست انگلیس بود همکاری کردند. فداییان به اتحاد مسلمین اهمیت خاصی می‌دادند و از همان آغاز مساله فلسطین برای آنان اهمیت خاصی داشت به همین علت در دوره هژیر تظاهرات عظیمی در حمایت از فلسطین بر پا کردند و نتیجه آن بازداشت کوتاه مدت نواب، گرداننده اصلی تظاهرات، بود.<sup>۲</sup>

با اوج گرفتن نهضت ملی شدن صنعت نفت آنان به همکاری با کاشانی ادامه دادند و از نهضت حمایت کردند. در راستای راهیابی نمایندگان جبهه ملی به مجلس بازم به ابزار اصلی خود، یعنی ترور سیاسی متوسل شدند و عبدالحسین هژیر، وزیر دربار، عامل اصلی تقلب در انتخابات حسین امامی از اعضای فداییان در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ ترور شد. به این ترتیب یکی از موانع بزرگ از سر راه «جبهه ملی» برداشته شد. در ادامه مبارزات جبهه ملی برای ملی کردن صنعت نفت، سرلشکر رزم‌آرا نخست وزیر منصوب دربار و سفارت آمریکا و انگلیس مانعی جدی به شمار می‌رفت. در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ سرلشکر را نیز در مسجد سپهسالار ترور کردند تا راه تصویب لایحه ملی شدن هموارتر گردد. خلیل طهماسبی ضارب دستگیر شد، اما به خاطر شرایط حاکم نتوانستند او را اعدام نمایند. بعد قیام ۳۰ تیر دولت مصدق با حمایت کاشانی لایحه‌ای به مجلس برد که طبق آن طهماسبی تبرئه و از زندان آزاد شد.

### تحولات بعد از کودتای ۲۸ مرداد:

در روزهای آغازین بعد از کودتا فداییان روزهای آرامی را سپری می‌کردند. ظاهراً رژیم وعده داد به شرط دست برداشتن از ترورهای سیاسی آنان را مورد تعقیب قرار ندهد. در این اثنا نواب که همواره فکر اتحاد

جهان اسلام را در سر می‌پروراند، به فکر سفر به چند کشور عربی افتاد و در سال ۱۳۳۳ ابتدا برای شرکت در کنگره اسلامی نجات فلسطین به بیت‌المقدس رفت و سپس از مصر و اردن بازدید کرد. در دوران غیبت او فداییان حال و روز خوشی نداشتند ابراهیم صرافان و هاشم حسینی از گروه جدا شدند و برخی هم در صدد ائتلاف با مجمع مجاهدین برآمدند و دیگر سران هم در برابر این تحولات سکوت اختیار کردند. با بازگشت نواب در بهمن ماه ۱۳۳۳ بار دیگر هیجان به آنان باز گردانده شد و سفرهای تبلیغاتی خود را به سراسر کشور آغاز کرد. تا این زمان حاکمیت موفق شده بود عناصر ملی و کمونیست را سرکوب نماید. این زنگ خطر را برای فداییان هم به صدا درآورد و دیر یا زود آنها هم گرفتار دام استبداد می شدند. از قضا آنهم چندان طولانی نشد، هنگامی که حسین علانخست وزیر وقت، آماده سفر به بغداد به منظور عقد یک پیمان نظامی می‌شد ابزار انهدام آنان فراهم گردید. قضیه از این قرار بود که در آن زمان کشورهای عربی به رهبری جمال عبدالناصر دست دوستی به سوی شوروی دراز کرده بودند. این امر مایه نگرانی ایالات متحده شد و برای اینکه از نفوذ کمونیزم جلوگیری کند تصمیم گرفت با ایجاد یک سازمان نظامی متحدان منطقه‌ای را در پناه خود بگیرد. آمریکا خود رسماً وارد پیمان نشد، اما زمینه آنرا فراهم نمود تا ایران، عراق، ترکیه و پاکستان زیر نظر انگلستان این پیمان را تشکیل دهند. اعلام این خبر خشم و نفرت ملت را برانگیخت آنان هنوز شعارهای مرده باد انگلیس را از دیوار پاک نکرده و هیجان ناشی از اخراج این کشور استعماری را در خاطره حفظ کرده بودند که علا در صدد برآمد بار دیگر حلقه بندگی را به گردن ایرانیان بیندازد.<sup>۲</sup>

این پیمان هشت ماده‌ای ایران را به پایگاه نظامی غرب تبدیل می‌کرد و مجلس سنا در ۲۶ مهر و شورای ملی در ۳۰ مهر ۱۳۳۴ آنرا تصویب نمود تا شکلی قانونی به طرح بدهند. این اقدام خشم و نفرت ملت را برانگیخت و نواب صفوی مانند بسیاری از ایرانیان وطن‌پرست با صدور بیانیه‌ای مخالفت خود را با عضویت ایران در پیمان مزبور اعلام کرد و در صدد چاره جویی و ممانعت از سفر نخست وزیر به بغداد برای امضاء آن برآمد و این گونه یک تنه در برابر عوامل سیاست غرب و آمریکا ایستاد. در روز ۲۵ آبان ماه قرار بود علاء در مراسم ختم مصطفی فرزند کاشانی در مسجد سلطانی شرکت نماید، به همین منظور اعضای فداییان (نواب، واحدی، ذوالقدر و طهماسبی) در جلسه‌ای فوری تصمیم گرفتند کار علاء را در مسجد یکسره کنند و از بین حاضران مظفر ذوالقدر مامور اجرای ماموریت شد. با ورود علاء به شبستان، ذوالقدر شروع به تیراندازی کرد، اما از شانس بد او گلوله‌ها به هدف اصابت نکرد تا او خود را آماده شلیک‌های بعدی نماید، محافظان دستگیر کردند، این اقدام نافرجام برای فداییان پایانی تلخ به همراه داشت. سوء قصد بار دیگر نام فداییان را بر سر زبانها انداخت و علاء را با سر باند پیچی شده روانه بغداد کرد.

رژیم که دنبال بهانه‌ای برای سرکوب فداییان بود از این فرصت نهایت بهره را برد و از فردای آنروز بازداشت اعضا را آغاز کرد و در مدت زمان کوتاهی رهبران برجسته آن روانه بازداشتگاه شدند تا دستگاه دروغ‌پردازی دادستان ارتش، سرلشکر آزموده تکلیف آنان را روشن سازد. در همان روزهای آغازین تیمور بختیار، فرماندار نظامی با شلیک یک گلوله مغز عبدالحسین واحدی را متلاشی ساخت. خلیل طهماسبی از

جمله افرادی بود که دستگاه به دنبال پرونده سازی برای او بود. سر انجام به درخواست برخی نمایندگان و دو تن از وزراء دولت (علم و جهانشاه صالح)، سناتور جمال امامی و پیگیری آزموده و سپهبد هدایت، رییس ستاد ارتش، شاه با طرح مجدد موضوع عفو او در مجلس موافقت کرد مجلس سنا هم لایحه عفو مصوب مجلس ۱۷ دوره مصدق را مغایر قانون اساسی تشخیص داد. علاء در ۱۴ آذر لایحه لغو عفو طهماسبی را به مجلس برد و او بار دیگر به اتهام ترور رزم آرا مورد بازجویی قرار گرفت. در جلسه ۱۳ دی در دادرسی ارتش، نواب، طهماسبی، ذوالقدر و محمد واحدی به اتهام اقدام مسلحانه علیه حکومت مشروطه محکوم به اعدام و دیگر اعضا از جمله سید هادی میرلوحی، علی بهاری، اصغر عمری و احمد تهرانی به ۳ تا ۶ سال حبس محکوم شدند. در دادگاه تجدید نظر نیز حکم مورد تایید قرار گرفت و در ساعت ۶ صبح ۲۷ دی ماه حکم اعدام اجرا شد. اعدام آنان پایان فعالیت رسمی این جمعیت بود. نحوه برخورد و محاکمه افراد بازداشتی موجی از خشم و نفرت نسبت به حاکمیت برانگیخت. در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهند اقدام وطن پرستانه فداییان مورد تایید مردم بوده است. از این رو، یک صدا خواهان آزادی زندانیان و لغو حکم اعدام بودند.<sup>۴</sup> اسنادی که در ادامه خواهد آمد اعتراض‌ها را بهتر انعکاس می‌دهد.

## متن اسناد

سند شماره ۱

هوالعزیز

مورخه ۱۳۳۴/۸/۲۹

خطاب به اولیای امور کشور از طرف جبهه اسلامی آزاد، به علت اینکه سید مجتبی نواب صفوی یکی از شیعیان پاک جعفری می‌باشد جز اجرای احکام مقدس قرآن چیز دیگری از شما نمی‌خواهد و ایشان مردی است سرتا پا درخت ایمان نسبت به احکام (خدا) حق ندارید کوچکترین جسارتی به زاده رسول (ص) بکنید، ما خطاهای شما را از نزدیک و دور مشاهده میکنیم که بر خلاف قرآن رفتار می‌نمایید.

آیین خدایی بالاتر و برتر از افکار تمام جمعیت روی کره زمین می باشد، معاد و دادگاه عدل الهی مانند خورشید درخشان در نظر ما مجسم است از هیچ گونه فداکاری و از جان گذشتگی در راه اسلام دریغ نداریم و به یاری خدای توانا دشمنان قرآن را نابود خواهیم کرد. درخت این دین با ریختن خون بزرگترین مردان عالم بشریت [یعنی] امام حسین (ع) آبیاری شده [است] اگر خداوند متعال و سعادت ما را یاری کند با خون خود درخت پژمرده اسلام را آبیاری خواهیم کرد. شما هم هر ظلمی روا دارید روز جزا که از جانب پروردگار می‌باشد، همدیگر را ملاقات خواهیم کرد.

به یاری خدای توانا

جبهه اسلامی آزاد

مورد: ۳۴۸۰۲۱  
باسم اللہ  
شماره: ۱۱۵۵  
تبرستان، مشهد، ۱۳۸۸

خطاب با دلیلی امور کشور از طرف جبهه اسلامی آزاد ملت  
ایند سید مجتبی نواب صفوی یکی از شیعیان پاک خبری است  
جز اجرای احکام مقدس قرآن چیزی دیگری از شما نمیخواهد و ایشان  
مردی است سرنابا در رفت و آمد صحت با حکم (فدا) حق ندارد  
کوثرین جباری بزاده رسول (ص) پلند ما خطای شمار از نزدیک  
و در مشاهده بینیم در خلاف قرآن رفتار مینماید  
آئین خدائی بالاتر برتر از انفا امام اوست روی کرده زمین میباشد  
معاد دانه بدل الهی مانند خود شید در خشت در نظر ما مجسم است  
از هیچگونه فداکاری و از جان نذ شکی در راه اسلام در بیخ نداریم  
و بیاری خدای تو انا دشمنان قرآن را نابود خواهیم کرد درخت این  
دین بار چمن خون برترین بر این عالم بشریت امام حسین (ع) آبیاری  
شده اگر خداوند متعال سعادت با آبیاری کند با خون خود درخت هرود  
اسلام را آبیاری خواهیم کرد تمام هر طلی برودارید و در جز که از جانب  
پروردگار میاید پس در اسلام خدای

بیاری خدای تو انا  
جبهه اسلامی آزاد

در روز و ماه  
شماره  
نام

پیام بهارستان / ۲۵، ۱ ش / تابستان ۱۳۸۸

## سند شماره ۲

۱۳۳۴/۹/۱۹

جناب سردار فاخر حکمت ریاست مجلس شورای ملی

رو نوشت جناب سید شمس الدین قنات‌آبادی رونوشت عبدالصاحب صفایی، رونوشت حائری‌زاده نمایندگان محترم مجلس شورای ملی، ملت ایران بی‌نهایت متاثر است که مجلس شورای ملی در برابر حکومت ضحاک را تحت الشعاع خود قرار داده و مهر سکوت بر زبان زده و آقایان نیز به خیال اینکه در انتخابات دوره نوزدهم هم شاید نصیبی پیدا کنند، دولت را در اعمال خلاف رویه و ضد انسانی آزاد گذاشته‌اند. بسیار جای تعجب است و مایه تاسف است از وقایع اخیر حکومت نظامی که با قدرت هر چه تمام بر مال و جان مردم تاخته و سلب آسایش عمومی را فراهم نمود، یک عده جوان مسلمان را به جرم دینداری به زندان افکند و بزور شکنجه آنچه را که می‌خواستند می‌نویسند و از آنها امضاء می‌گیرند، یا اینکه آنها را مجبور می‌کنند به آنچه می‌خواهند بگویند و هیچ کس هم حق ندارد اعتراض نموده و گرنه به جرم همدستی با آنها با سر نیزه حکومت روبرو خواهد شد. گذشته از این روزنامه‌جات دولتی روزنامه‌جات ملی را تحت کنترل شدید سرنیزه حکومت نظامی قرار گرفته و حقایق به طور کلی سانسور شده بلکه باید مقالات آنطوریکه خواسته حکومت نظامی است به چاپ برسانند تنها کسانی که می‌توانند در پناه مصونیت پارلمانی اظهار عقیده بکنند آقایان نمایندگان آنهم متاسفانه به واسطه نزدیک بودن انتخابات دوره آینده مهر سکوت بر لب زده‌اند. به خدا تمام مسئولیت متوجه شماست شمائید که با دادن رای این اشخاص را بر مردم حکومت می‌دهید جواب خدا را در محکمه عدل الهی چه خواهید داد و یا این همه ظلم و بیدادگری که به نام مشروطیت، در زیر ماسک مبارزه با فساد اعمال شده، آقایان [این] حکومتها تمام مدت حکومت خود را با نام حکومت نظامی در پناه آن انواع فجایع را مرتکب شده و آنوقت هم اگر کسی علیه این مفساد سخنی بگوید علیه مشروطیت و قیام علیه سلطنت مشروطیت ایران نموده و باید اعدام شود به خدا متهمین وقایع اخیر عموماً با فجایع و مفاسدهای که به نام مشروطیت اعمال می‌شد مخالفند نه با خود مشروطیت، بلکه با کسانی مخالفند که مشروطیت را آلت اجرای مقاصد شوم خود قرار داده و درباره ملت از هیچ ظلمی فرو گذار نمی‌کنند و اما موضوع دوم لایحه عفو خلیل طهماسبی است که دولت آنرا برای لغو نمودن به مجلس سنا ارسال داشت که از وظایف مختصر مجلس شورای ملی است که روی دو اصل برای عدم لغو آن دفاع کنند: اول اینکه چون لایحه مذکور از مصوبات مجلس شورای ملی است و مجلس شورای ملی برای اینکه معنویت خود را از دست ندهد باید از مصوبات خود دفاع کند، اصل دوم اینکه لایحه فوق‌الذکر چون به توشیح ملوکانه رسید و آقایان و کلا نیز سوگند وفاداری به اعلیحضرت شاه یاد کرده‌اند و لغو این لایحه بزرگترین لطمه را به حیثیت اعلی حضرت وارد می‌آورد و انعکاس او در خارج اثرات سویی بخشد و اعلیحضرت را یک فرد بی‌اطلاع از قانون معرفی می‌کند؛ زیرا لایحه ای که به قول مجلس سنا قانونیت ندارد و توشیح فرموده‌اند، گذشته از این قدرت دربار را در برابر دولت و مجلس سنا ضعیف خواهند پنداشت و عدم توجه مجلس سنا به توشیح ملوکانه بزرگترین هتک احترامات به اعلیحضرت همایون می‌باشد، لذا

آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی به سوگند خود وفادار و به علاوه نتایج این امر را گوشزد مجلس سنا نمایند و ضمناً کلیه جریانات مذکور را دقیقاً مورد بررسی قرار داده و نگذارند نام مشروطیت را لکه‌دار نموده و این گونه ظلم بر مردم روا دارند.

با تقدیم احترامات      عبدالله یزدان‌پناه

۱۸  
۱۳۰۸

بزرگوارترین جناب...  
 است ای آن جناب...  
 زود در این...  
 قدرتش از...  
 عجز از این...  
 سینه‌ها...  
 خوابنده...  
 شده...  
 کند...  
 ترقه...  
 بسیار...  
 دنیا...  
 تصدیق...  
 خانه...  
 مملکت...  
 نوزاد...  
 با...  
 کفر...  
 جان...  
 در...

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ / تابستان ۱۳۸۸

### سند شماره ۳

اداره دبیرخانه ۱۳۳۴/۱۰/۱۷

حضور محترم جناب آقای حائری زاده، نماینده شریف مجلس شورای [ملی]

محترماً معروض می‌دارد چنانچه خاطر شریف مستحضر است با اینکه ادعانامه دادستان ارتش علیه فداییان اسلام خالی از ادله محکم و عاری از حقیقت بوده و عملیات فداییان اسلام اصولاً ضدیت با سلطنت نمی‌باشد، چنانچه کتاب آنها مطلقاً ترویج مذهب اسلام می‌باشد و به علاوه قانون مجازات عمومی می‌نویسد هر کس در ایران به هر اسم یا هر عنوان دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی تشکیل و یا اداره نماید که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه و یا رویه یا مرام آن اشتراکی است و یا عضو دسته و یا شعبه جمعیتی شود که با یکی از مرام یا رویه‌های مزبور در ایران تشکیل شده باشد به حبس مجرد از سه تا ده سال محکوم خواهد شد و همچنین در ماده ۶۲ مینویسد هر کس از اهالی مملکت را صریحاً تحریص به مسلح شدن بر ضد حکومت ملی نماید محکوم به حبس مجرد از سه تا پنج سال خواهد بود و اگر تحریص او موثر واقع نشود جزای او از شش ماه تا سه سال حبس تادیبی است و همچنین در ماده ۸۰ می‌نویسد هر کس سوء قصد به حیات رئیس مملکت نماید و پس از شروع به عملی که خارج از اراده مرتکب است بلا اثر نماید جزای او حبس با اعمال شاقه از ده تا پانزده سال است اگر به واسطه سوء قصد جراحی به رئیس مملکت وارد آید که منجر به فوت نشود جزای مرتکب حداکثر مجازات مذکور است. بنابراین هیچ یک از فداییان اسلام محکوم به اعدام نمی‌باشند و نظریه دادستان ارتش بر خلاف [قانون اساسی] می‌باشد و چون وکلای مجلس از طرف عموم ملت نمایندگی دارند باید در تمام موارد از متوکلین خود دفاع نمایند بالاخص در این مورد که می‌خواهند یک عده جوان سید و غیر سید را بدون مجوز شرعی حکم اعدام بدهند؛ زیرا در شرع مقدس و در قرآن مجید قاتل محکوم به قتل است، ولی تا قتل واقع نشده، نمی‌شود کسی را به جرم اینکه تحریک کرده اعدام نمود. به هر جهت جنابعالی چون شخص مسلمانی هستید، تقاضا می‌نماییم که از مقامات عالی کشور بخواهید بیش از این بشرکشی نکنند و به موجب «وَمَنْ أَصْبَحَ لَمْ يَهْتَمَّ بِمَوْرِ الْمَسْلَمِينَ عِلْمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» بر مسلمانی لازم است که رفع ظلم از مسلمین بنماید. والسلام علیکم ورحمه و برکاته.

امضاء علی ترابی





### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- احمد گل محمدی، جمعیت فداییان اسلام به روایت اسناد، جلد یک، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۳۰. برای آگاهی بیشتر از نقش فداییان در عرصه سیاسی ر.ک: علی رهنما، سیر حرکت نیروهای مذهبی بر بستر نهضت ملی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۴.
- ۲- داود امینی، اندیشه و فکر فداییان اسلام، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۰. برای آگاهی بیشتر از اندیشه‌های فداییان ر.ک رسول جعفریان، جریانها و سازمانهای مذهبی - سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۰-۱۹۳.
- ۳- مسعود بهنود، از سیدضیاء تا بختیار، تهران، جاویدان، ۱۳۶۶، ص ۴۱۲.
- ۴- مرکز مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۸، کارتن ۹، جزوه‌دان ۳، پوشه ۱۲. ذکر این نکته ضروری است که سند شماره یک با امضای جبهه اسلامی آزاد است که طبق تحقیقات به عمل آمده چنین سازمانی اصلاً وجود خارجی نداشته است. احتمالاً نگارنده یا نگارندگان برای شناسایی نشدن، نامه خود را با این نام برای مجلس فرستاده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی